

## خانم عبادی

### خواهش می کنیم از حقوق ما دفاع نکنید

خانم شیرین عبادی، برنده ی خوشبخت لاتاری صلح نوبل! امسال از قبل حقوق از دست رفته ی زنان ستمدیده ی ایرانی استفاده ی مادی و معنوی را مضاعف بردید، هم به شهرت جهانی رسیدید و هم یک ملیون دلار به اعتبارتان افزودید، آن هم با سوء استفاده از وجود زنانی که شما را نمی شناختند و حتی یک بار هم نامتان را نشنیده بودند. توی کوره پزخانه های جنوب تهران بردگی می کردند، گوشه کنار پارک های بدنام شهر تن فرسوده ی خود را با اسکناس های خمینی نشان معامله می کردند تا از گرسنگی فرار کنند، در حالی که خوب می دانستند اسیر یک مرگ تدریجی شده اند، دیر یا زود می میرند و از دنیا جز نکبت چیز دیگری نمی بینند.

پشت دارهای قالی در کارگاه هایی که نه نور کافی داشتند و نه هوای مناسب، ساعت ها صبح تا شب قوز می کردند و رویاهایشان را در نقش فرش هایی دنبال می کردند که زیبایی شگفت انگیزشان برای نوازش چشم های خسته ی آن ها نبود. تنها خمودگی جسم نصیبشان می شد. زن هایی که گر چه از لحاظ مسافت فاصله ی چندانی با شما نداشتند اما با این وجود در دنیایی جدای دنیای شما و دوستانتان زندگی می کردند، بی آن که کودکی کنند، محبت ببینند و استعدادهایشان شکوفا شود، خیلی زود بزرگ شدند، آن قدر که بتوانند کمکی به معیشت خانواده ی فقیر خود باشند. حتی تن نحیفشان هم به سرعت خودش را با شرایط سازگار کرد. آن وقت یک روز در روزنامه ها

نوشتند، توی رادیو و تلویزیون اعلام کردند که به فرشته ی نجات زنان ایرانی جایزه ی صلح اهدا کرده اند. از یک طرف اقتدارگرایان بر ضدتان موضع گرفتند و شما را عروسک کوکی غرب خواندند، از سوی دیگر اصلاح طلب هایی که با افتضاح انتخابات شوراها، انتخابات مجلس هفتم برایشان کابوس شده بود، دچار این توهم شدند که می توانند از برکات این جایزه بار دیگر مردم را بفریبند و پای صندوق های رای بکشانند. اما شما زیرکانه اعتماد هر دو گروه را جلب کردید، از شریعتی دفاع کردید که نتیجه ی اولیه اش در روزگار ما حکومت ملایانی است که در زن ستیزی و اعمال احکام بربریت، چون شلاق و سنگسار پیشتانزد. شما به حکومت جمهوری اسلامی حسن نیتتان را ثابت کردید، به دنبال براندازی نیستید، تنها توقع کوچکتان از حکومت جنایتکار آخوندی، تقدیم یک آزادی بی خطر به زن هایی است که از طبقه ی خودتان هستند. خانم عبادی همه مطلع شدند به جز آن زن هایی که حقوق از دست رفته اشان دستاویز چنین جنجالی شده بود. زن هایی که هنوز در همان شرایط غیر انسانی نه زندگی که جان می کنند. جایزه ی شما هیچ چیز را برای آن ها عوض نکرده است.

خانم عبادی خواهش می کنیم از روی سن پایین بیایید، به جز همپالگی هایتان کسی برای نمایش های مضحک شما کف نمی زند. بلند پروازی های شما احمقانه اند، تا دیروز خودتان را فرشته ی نجات زن ایرانی می دانستید، امروز در ابعاد جهانی کار می کنید، در عزای ستم به زنان تمام این کره ی خاکی لباس ماتم به تن می کنید و اشک تمساح می ریزید. آیا تاریخ را خوانده اید؟ اصلا می دانید هشت مارس به چه مناسبتی روز زن اعلام شده است؟

آن هایی که در این روز جان باختند از جنس شما و طبقه ی شما نبودند درست مثل زنانی که امروز بر شانه هایشان بالا رفتید.

و جایزه ی نمایشی را به دست آوردید. به جای آن که کنارشان بمانید و روز زن را با آن ها جشن بگیرید، تشریف بردید سازمان بین المللی کار و سوگوارشان شدید.

خانم عبادی آن هایی که نمایش نامه ی ماتم گرفتن را برایتان نوشتند، یا قرن ها فراتر از ما سیر می کنند یا زیاد فیلم ها و کتاب های تخیلی استفاده می کنند، چرا که اسیر این توهم شده اند که در کهکشان، ممکن است کرات دیگری یافت شوند که ساکنین اش موجوداتی شبیه ما انسان ها باشند. آن جا هم جنس ماده تحت ستم باشد و فمنیست های بورژوازی وجود داشته باشند که حقوق از دست رفته ی این زنان را ابزار موقعیت و شهرت خود بکنند.

و حال باید با راه انداختن چنین خیمه شب بازی هایی زمینه را برای انتخاب شما در مراسم اهدای جایزه ی صلح کهکشان آماده کرد. شما که اینک خودتان را نماینده ی تمام زن های ستمدیده ی جهان ما می دانید، برای یک بار به خواست ما توجه کنید:

خواهش می کنیم از حقوق ما دفاع نکنید

رُزا جوان

نوزده اسفند هشتاد دو

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری